

تاکید پوتین و مرکل بر لزوم حل بحران کره شمالی از طریق مذاکره

بین‌الملل



اشتفان ریشتر، دی‌سایت (آلمان)

چینی‌ها می‌توانند ارسال محموله‌های نفت به کره شمالی را متوقف کنند و بدین ترتیب برنامه‌های تسلیحاتی پیونگ یانگ نیز به اجبار متوقف می‌شود. اما بر هیچ‌کس پوشیده نیست که پکن به هر طریقی از فروپاشی دیکتاتوری کره‌شمالی ممانعت خواهد کرد. سران حکومتی پکن از بروز هرج و مرج در منطقه مرزی، هجوم پناهندگان، سلاح‌های سنگین (هسته‌ای) غیرقابل کنترل و در نهایت حتی حضور آمریکا در مرز با چین می‌ترسند.

معادله‌ای با دو عنصر مهار ناشدنی

کره شمالی، حکومت خودکامه منفوری است که روی سلاح‌های هسته‌ای تکیه می‌کند. این موضوع به خودی خود بد است. با وجود این، خطرناک‌ترین بخش بحران این است که رئیس‌جمهور آمریکا به دیپلماسی اعتقاد ندارد.

کیم جونگ اون، دیکتاتور کره شمالی و ژنرال‌های او با عزمی استوار در مسیر خود پیش می‌روند. آن‌ها به تازگی قدرتمندترین بمب اتمی خود را آزمایش کرده‌اند، به گفته وزارت دفاع کره جنوبی، کره شمالی می‌خواهد به زودی یک موشک قاره‌پیمای دیگر را آزمایش کند. آن‌ها به تازگی یک موشک با برد متوسط را نیز بر فراز ژاپن شلیک کردند. آن‌ها به شیوه‌ای تهاجمی برنامه‌های خود را به پیش می‌برند و با آزمایش‌های تسلیحاتی همواره از مرزهای قابل قبول جامعه جهانی عبور می‌کنند. به خصوص چین و روسیه همواره در شورای امنیت سازمان ملل متحد به هنگام اعمال فشار علیه کره شمالی که با برنامه‌های هسته‌ای و موشکی خود قطعنامه‌های سازمان ملل را با نقض می‌کند، محتاطانه برخورد کرده‌اند. آن‌ها اغلب با تصویب تحریم‌ها در شورای امنیت مخالفت کرده‌اند، این تحریم‌ها را تضعیف کرده یا حتی با آن‌ها موافقت می‌کردند، اما در نهایت این مجازات‌ها به طور پیوسته اجرا نمی‌شدند.

به همین علت نیز آمریکا که همواره از سوی کره شمالی تهدید می‌شود و به عنوان دشمن جانی آن

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از اسپوتنیک، رهبران روسیه و آلمان در گفتگوی تلفنی امروز خود با یکدیگر امتناع کره شمالی از به رسمیت شناختن قطعنامه صادر شده اخیر شورای امنیت سازمان ملل علیه این کشور را محکوم کردند. کاخ کرملین با انتشار بیانیه‌ای در این خصوص اعلام کرد که رهبران دو کشور در این گفتگوی تلفنی ضمن تبادل دیدگاه یی خود در خصوص مسائل شبه‌جزیره کره به بررسی اقدام تحریک‌آمیز اخیر پیونگ‌یانگ پرداختند. در این بیانیه آمده است: ولادیمیر پوتین و آنکلا مرکل، بی‌اعتنایی یونگ یانگ به قطعنامه شورای امنیت را قویا محکوم کردند. همچنین رهبران دو کشور آلمان و روسیه اقدامات کره شمالی را ناقض اصول اعلام اشاعه هسته‌ای و تهدیدی علیه صلح و امنیت منطقه‌ای دانسته‌ام در عین حال تأکید کرده‌اند که تنها راه برون رفت از بحران کره شمالی انجام مذاکره با این کشور است.

معادله‌ای با دو عنصر مهار ناشدنی

در نظر گرفته می‌شود، اقداماتی یک‌جانبه علیه کره شمالی اتخاذ کرده و در اواخر ماه اوت نیز تحریم‌های ثانویه علیه کشورهای ثالث اعمال شد. این تحریم‌ها تا حدودی فقط بر شرکت‌های کوچک، بانک‌ها و همچنین شهروندان چینی که با کره شمالی همکاری می‌کنند، تأثیر می‌گذارد. دولت واشنگتن می‌گوید همه آن‌ها به صنایع تسلیحاتی کره شمالی کمک می‌کنند تا از طریق صادرات زغال سنگ و سنگ‌های معدنی نیازهای مالی خود را تأمین کنند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا پس از آزمایش هسته‌ای روز یکشنبه در یکی از توتیت‌های خشمگینانه خود تهدید کرده بود کشورش اکنون در نظر دارد هر گونه روابط تجاری را با کشورهایی که با کره شمالی همکاری می‌کنند قطع نماید.



نظرات و اندیشه‌های ترامپ شناخته شده است

از آنجا که بیش از ۹۰ درصد از تجارت کره شمالی با چین صورت می‌گیرد و بیش از ۸۰ درصد صادرات نفت و مواد غذایی به کره شمالی از مبدا این کشور می‌باشد، تهدید ترامپ تقریبا به طور انحصاری چین را هدف قرار داده است. توقف روابط تجاری با پکن به نوبه خود گامی بسیار دشوار خواهد بود: آمریکا محصولاتش را به ارزش ۴۰ میلیارد دلار از چین به طور ماهیانه وارد می‌کند. رئیس‌جمهور آمریکا حتی در عرصه سیاست داخلی نخواهد توانست این هدف را عملی کند.

هیچ‌کس در خارج از کره شمالی به طور دقیق نمی‌داند که دانشمندان هسته‌ای و موشکی پیونگ یانگ در روند توسعه سلاح تا چه اندازه پیش رفته‌اند، اما با توجه به تازه‌ترین آزمایش‌ها می‌توان نتیجه گرفت آن‌ها به سطحی رسیده‌اند که خطر بزرگی را برای همسایگان و حتی دیگران محسوب می‌شوند. آن‌ها در هر صورت پتانسیل بازدارندگی زیادی را به دست آورده‌اند و اجازه نخواهند داد برنامه هسته‌ای کنونی خود را در نتیجه مذاکرات از دست ببرد.

بازنشر یک مصاحبه؛

تهدیدات کره شمالی بیشتر بلوف است

دو کره مخرب خواهد بود.

البته اگر این جنگ از نوع موشکی باشد ممکن است بتوانند با سیستم‌های ضد موشک تا آنجا که امکان دارد آثار این حملات را خنثی کنند.

اما اگر جنگ با کلاهک‌های هسته‌ای باشد نوعی انتحار است، یعنی اگر هدف این کلاهک‌ها کره جنوبی باشد مردمی از هم‌وعان و شاید هم خویشان مردم کره شمالی از بین خواهند رفت و البته ممکن است آثار و تشعشعات ناشی از انفجار بمب‌های هسته‌ای دامن‌گیر مردم کره شمالی نیز بشود.

از سوی دیگر اگر آمریکا در مقابل این اقدام واکنش هسته‌ای نشان دهد، نوعی نابرابری روی خواهد داد. چون موشک‌های دوربرد کره شمالی تا بخواهد به آمریکا برسد، ناوگان‌های آمریکا که مجهز به موشک‌های پاتریوت هستند در طول مسیر آن‌ها را نابود خواهند کرد؛ در حالی که کره شمالی که به لحاظ قدرت، وسعت و ... در مرتبه پایین‌تری قرار دارد در معرض نابودی کامل قرار می‌گیرد.

وی تصریح کرد: بنابراین چنین قصد و نیتی ناشی از یک اراده خام خواهد بود؛ مگر آنکه جهت مصرف داخلی باشد که تا آخرین لحظه نوعی تجلی قدرت را نشان دهند اما در آخرین لحظه به تقاضای مردم، دبیرکل سازمان ملل یا دیگران به نوعی مذاکره و گفت‌وگو تن دهند.

به نظر جناب‌عالی آیا تهدیدات کره شمالی توحالی است و جنبه عملی به خود نخواهد گرفت؟ به نظر من از هر جهت اگر بخواهیم این مسئله را ارزیابی کنیم این‌ کار، اقدامی نسنجیده و زیان‌بار برای کره شمالی خواهد بود.

آیا نمی‌توان این احتمال را داد که رهبران کره شمالی فاقد عقلانیت بوده و دست به انتحار بزنند؟ گفت: در کشورهای بسسته و استبدادی مانند کره شمالی ممکن است رهبران بر اساس ارزیابی اشتباه، ناخودآگاه جامعه را به سمت یک فاجعه بکشانند. یعنی در ارزیابی قصد و نیت طرف مقابل دچار اشتباه شوند و جامعه ناخواسته به سمت

این دلیلی دارد: کیم جونگ اون می‌خواهد تداوم حکومت خود را برای همیشه تضمین کند. بدین منظور هیچ راهی بهتر از ایجاد سلاح‌های هسته‌ای در اختیار ندارد. حتی ابرقدرت‌هایی مانند آمریکا در صورت حمله به کره شمالی، متحدان خود از جمله کره جنوبی و ژاپن را در معرض خطرات مرگ‌بار و غیرقابل پیش‌بینی قرار خواهند داد. بدین ترتیب آزمایش‌های هدفمند و شلیک موشک‌ها و بمب‌های هسته‌ای اقدامی منطقی از سوی زمامداران کره شمالی تلقی می‌شود. اما از آنجا که نخیکان حاکم در کره شمالی منزوی شده به لحاظ سیاسی تا حدودی هیچ ارتباطی با جهان خارج ندارند، هیچ کس نمی‌داند که به واقع چه چیزی در ذهن آن‌ها می‌گذرد و به طور خاص نظرات آن‌ها درباره نحوه برخورد با سلاح‌های کشتار جمعی چیست.

وضعیت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا تا حدودی کاملا برعکس است. آنچه که در ذهن او می‌گذرد برای همگان شناخته شده است، او به ویژه در توتیت‌های خود در این باره اطلاع‌رسانی می‌کند. بر اساس این توتیت‌ها و سیاست‌های وی در رابطه با شرق آسیا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که او برای رسیدگی به بحران خطرناک و پیچیده کره شمالی لیاقت و توانایی لازم را ندارد. او همچنین آشکارا مجال نمی‌دهد تا تجربه اندک وی در زمینه سیاست خارجی با بهره‌گیری از کمک‌های فکری مقامات وزارت امور خارجه، جبران شود.

روز یکشنبه پس از آزمایش هسته ای، ترامپ توتیت کرد که با ژنرال کلی، ژنرال ماتیس و دیگر مقامات ارشد نظامی دیدار خواهد کرد تا درباره کره شمالی رایزنی تصمیم‌گیری کنند (هیچ اشاره‌ای به حضور دیپلمات‌ها و سیاستمداران باتجربه نشده است). مفسران وب‌سایت آکسیوس بر این باورند که ترامپ هرگز دیپلماسی را به عنوان یک گزینه واقع بینانه در نظر گرفته و پس از آزمایش بمب هیدروژنی در کره شمالی، واکنشی نظامی از سوی آمریکا محتمل‌تر می‌باشد.

رئیس دولت چین به کیم جونگ اون علاقه‌ای ندارد

با این حال، ترامپ در برخوردی حاکی از دمدمی مزاجی سیاسی خود در مورد یک موضوع محق است: تنها راه اعمال فشار شدید اقتصادی بر کره شمالی و به احتمال وادار کردن رژیم کیم به اعطای امتیازاتی همیشگی در برنامه هسته‌ای خود، از طریق جمهوری

خلق چین می‌باشد. چینی‌ها می‌توانند ارسال محموله‌های نفت را متوقف کنند و بدین ترتیب برنامه‌های تسلیحاتی پیونگ‌یانگ نیز به اجبار متوقف می‌شود. اما بر هیچ کس پوشیده نیست که پکن به هر طریقی از

یک فاجعه کشیده شود. اما اگر بخواهند بر اساس مبانی منطقی توان خود و طرف مقابل را ارزیابی کنند و فرایند این برخورد را پیش‌بینی نمایند دست به این اقدام نخواهند زد. وی تصریح کرد: لذا عقل سلیم حکم می‌کند که بگویم این تهدیدات بیشتر یک بلوف برای مصرف داخلی است و در عین حال پیامی به قدرت‌های خارجی است که در ارزیابی‌های خود نسبت به کره شمالی خیلی قدرت این کشور را دست‌کم نگیرند.

وی ادامه داد: فراتر از این فکر نمی‌کنم بتوان نیتی در پس این تهدیدات متصور شد به خصوص آنکه رهبر جدید و جوان کره شمالی تا حدودی با ارزش‌های جهان غرب آشنایی دارد و انتظار می‌رفت بر خلاف پدر و پدربزرگ خود روند متعادل‌تری در تعاملات بین‌المللی در پیش بگیرد، چنانکه در اوایل کار علائمی در این راستا از خود نشان داد.

وی افزود: اما در حال حاضر موضع‌گیری کره شمالی دال بر این است که نوعی چالش‌گری را در پیش گرفته‌ه و اگر بخواهد این روند را ادامه دهد آینده نگران‌کننده‌ای در پی خواهد داشت.

این استاد دانشگاه خاطر‌نشان کرد: لذا انتظار این است کسانی که رهبری یا مسئولیت جامعه‌ای را در دست دارند با خردمندی و تعقل کافی در مقام ارزیابی برآیند تا تصمیماتی که اتخاذ می‌کنند در جهت خیر و صلاح جامعه خود باشد.

آیا توقف عبور و مرور در گذرگاه‌های مرزی میان دو کره می‌تواند نشانه نگران‌کننده‌ای از احتمال بروز جنگ باشد؟ خیر. من گمان نمی‌کنم این مسئله دال بر احتمال بروز جنگ باشد اما ممکن است به دلیل خطای فنی یا انسانی برخوردهایی روی دهد که تبدیل به یک فاجعه شود.

جنگ احتمالی ممکن است شامل برخوردهای خیر. من گمان نمی‌کنم این مسئله دال بر احتمال بروز جنگ باشد اما ممکن است به دلیل خطای فنی یا انسانی برخوردهایی روی دهد که تبدیل به یک فاجعه شود.

جنگ احتمالی ممکن است شامل برخوردهای ایذایی و مرزی باشد. یعنی یک نوع قدرت‌نمایی صورت می‌گیرد و سپس با پادرمیانی دیگران

مستقل

۵

پنج‌شنبه ۲۳ شهریور ■ شماره ۲۳۶

معامله بسیار آرام تیلرسون با چین و روسیه

دیوید ایگناتیوس – واشنگتن پست

ترجمه از امیرحسین نظری

وزیر خارجه آمریکا، رکس تیلرسون، عموما مرد ساکتی در تیم سیاست خارجی ترامپ بوده است. اما ورای تمرکز رسانه‌ها، او بر استراتژی وسیعش تمرکز کرده است که هدف آن، همکاری با چین برای حل بحران کره و همکاری با روسیه برای ایجاد ثبات در اوکراین و سوریه است.

عملکرد تیلرسون نشان می‌دهد که او درپی دیپلماسی فردی و تماس مستقیم با رهبران چین و روسیه است. در کنار آن‌ها، تیلرسون به‌دنبال مذاکرات مخفیانه با کره شمالی است.فرض اصلی استراتژی او این است که اگر آمریکا بتواند زیر‌کانه رابطه‌اش را با رئیس‌جمهور چین، زین‌پینگ، و پوتین حفظ کند و آن‌ها را از سودمندی و موفقیت اهداف آمریکا مطمئن کند، مجموعه مشکلات منطقه‌ای، تماما حل خواهند شد.

تیلرسون نسبت به انتقاداتی که به توانایی ارتباط برقرار کردنش وارد می‌کنند بی‌تفاوت است. او همچنین راجعه‌به اختلاف‌نظرهای اخیرش با ترامپ صحبتی نکرده است. علی‌رغم این‌که ترامپ ابتدائا مواضع تیلرسون را نمی‌پذیرفت، اما الآن به‌نظر می‌رسد که خیلی با او راحت است. عقیده او دقیقا این نبود که وظایفت را برعهده بگیر و با زور پیش ببر، اما به‌عنوان مدیرعامل اسبق آکسون موبایل، او نیازی به سواستفاده از قدرت برای کسب درآمد یا پیدا کردن دوستان بانفوذ ندارد. عقیده او این است که باید بیشتر بر تعهدات فوری‌اش تأکید کند تا این‌که به‌فکر معامله با مطبوعات باشد.

به نظر می‌رسد تیلرسون، علی‌رغم اختلافات، روابط کاری‌اش را با ترامپ حفظ کرده است؛ با وجود این‌که او اختلاف‌نظرش با ترامپ را پنهان نمی‌کند و مثلا از نظرات بحث‌برانگیز ترامپ راجعه‌به شارلوتسویل اعلام برائت کرد. تیلرسون علائمی از خود نشان داده که در صورت خودداری کیم از تداوم برنامه‌های موشکی، مذاکرات مستقیمی با رژیم کره شمالی آغاز خواهد کرد. تیلرسون می‌خواهد پیش از آغاز مذاکرات مطمئن شود چین پشت آمریکا و پنجاه‌دریچه کیم خواهد بود. علی‌رغم مواضع شدیدا خصم‌آمیز پیونگ‌یانگ، نمایندگان این کشور با پرس‌وجو درمورد نیات ایالات متحده از مذاکره، علاقه خود را به نشستن پشت میز مذاکره به‌طرف آمریکایی نشان داده‌اند. ولی اقدامات کیم گیج‌کننده و متغیر است. هنگامی که تیلرسون خواسته بود آن‌ها برای اثبات عمومی حسن نیتشان آزمایش موشکی به سمت گوام را متوقف کنند، آن‌ها سه آزمایش پیاپی انجام دادند؛ کاملا بی‌پروا.

برخی تحلیل‌گران معتقدند این‌مسابقه موشکی کره‌شمالی، تلاشی است برای این‌که کره‌ای‌ها قدرت چانه‌زنی و موضوع خود را در مذاکرات تقویت کنند. تیلرسون هم امید دارد که چین با وضع تحریم سوختی، کره شمالی را تحت فشار قرار دهد. مسئولان آمریکایی امیدوارند «شی» این تحریم‌های یک‌طرفه را وضع کند. در حقیقت از نظر آن‌ها، این تحریم‌های یک‌طرفه بیشتر

از تصویب قطعنامه‌ای که آمریکا پیش‌نویسش را تهیه کرده و در شورای امنیت مطرح می‌شود، قدرت رهبری آمریکا را ثابت خواهد کرد.

تیلرسون در ماه مارس، با سفر به یک منطقه غیرنظامی در شبه‌جزیره کره، جدیتش را اعلام کرد. او به یک برنامه در سازمان ملل اشاره کرد و مجددا تأکید کرد: ممکن است ما دوباره از آن استفاده کنیم.

همچنین استراتژی مذاکرات چینی-آمریکایی درمورد کره شمالی بسیار گسترده‌تر از آن چیزی است که مقامات هردو کشور اذعان می‌کنند. آن‌ها در خصوص اقدامات مشترکی برای ثبات شبه‌جزیره کره بحث کرده‌اند، که مثلا چین متعهد شده است، درصورتی‌که رژیم کره به بمب اتمی دست پیدا کند، دولت چین اقدام به ایمن‌سازی می‌کند.

ایده اصلی‌ای که سیاست تیلرسون در خصوص چین برآن بنا شده، این است که با افزایش قدرت و نفوذ چین نسبت به سال‌های پیش، بنیان روابط این دو کشور بسیار تغییر کرده است. پیامی که برای پکن فرستاده شده این است که رفتار شی در دفع بحران‌های کره شمالی رابطه چین-آمریکا را در پنجاه سال آینده شکل خواهد داد.

تیلرسون به کارکردن درخصوص پرونده روسیه ادامه خواهد داد. او پوتین را از سال ۱۹۹۹ می‌شناسد و می‌داند او فردی قابل‌پیش‌بینی است؛ اگرچه گاهی تبدیل به فردی قلدر و زورگو می‌شود. او فکر می‌کند می‌تواند در مسئله اکراین و سوریه به پیشرفت‌هایی برسد.

در موضوع اکراین، تیلرسون از پیشنهاد روسیه درخصوص ارسال نیروهای حافظ صلح سازمان ملل به اکراین حمایت می‌کند؛ در شرایطی‌که پوتین مدعی شده است نیروهای رئیس‌جمهوری پاروشنکو به نیروهای روسی مستقر در شرق اکراین حمله می‌کنند. به‌علاوه، دیده‌بان‌های سازمان ملل به پیاده‌سازی توافق مینسک کمک داده‌اند که خطر اصلی برای منافع روسیه، افزایش قدرت ایران در آن منطقه است، مخصوصا تا زمانی که رژیم اسد کنترل دیرالزور را برعهده دارد. برای دفع قدرت ایران در آن منطقه، تیلرسون از حرکت سریع نیروهای دموکراتیک –تحت حمایت آمریکا– به قسمت پایین رود فرات، که در سوریه واقع شده است، حمایت می‌کند. ترامپ ناهنجار است، رفتارش متغیر است و با سکوت تیلرسون متضاد است. بسیاری از ناظران، شک دارند که رابطه میان این دو پایدار بماند، ولی به‌نظر می‌رسد تیلرسون مجبور است با رفتار‌های تند و توتیت‌های ترامپ بسازد. احتمال دارد وقتی ترامپ نظرات مخربی بیسان می‌کند، تیلرسون از آن‌ها در سیاستش استفاده کند و فکر کند چگونه از آن برای امتیاز گرفتن استفاده کند. تیلرسون غیراجتماعی‌ترین دیپلمات آمریکای مدرن است، ولی ظاهرا این انتخاب خود او است. به‌طرز عجیبی، او به کسب اعتبار شخصی بی‌اعتنا است.

